

از ۹۰ درصد آن متعلق به چند سهامدار حقیقی و حقوقی است که به راحتی می توانند برای سهم شرکت خود جریان سازی کنند و سهامداران دیگر را به اشتباه بکشانند. اکثر شرکت های داروسازی دارایی قابل توجهی ندارند و بیشتر ارزش آنها داشتن فرمول تهیه داروها یا ساخت داروهای خاص است که برخی شرکت ها به دلیل برخی رانت ها در اختیار دارند. یکی دیگر از مشکلات این شرکت ها سود یا فروش آنها نصف ارزش بازار شرکت هم نیست که خود از نکات منفی برای سهم آن و افزایش خطر این سهام به حساب می آید که امکان ایجاد حباب را برای سهام آنها مهیا می کند. از طرفی، وجود کارخانه های متعدد داروسازی آنها را مجبور به دادن امتیازهای مختلف به داروخانه ها می کند همین مساله سودآوری آنها را کاهش می دهد. کارخانه بدون توجه به ظرفیت خود اقدام به ساخت و تولید دارو می کند که سودآوری بیشتری دارد. هم چنین کمبود نقدینگی و عدم حمایت دولت سبب کاهش قیمت و کمیت داروها می شود.

با تمام این تفاسیر شرکت های داروسازی رشد پایدار و پیوسته ای را تجربه کرده اند به نحوی که

■ قیمت دارو

جناب آقای دکتر ا.م (از فرهیختگان صنعت دارو) طی نامه ای برای سردبیر ماهنامه دارویی رازی، در مورد قیمت دارو چنین نوشته اند:

«... تا سال های دهه چهل صنعت داروسازی در کشور شکل دیگری داشت به نحوی که مواد اولیه از خارج از کشور وارد می شد، مقداری هم داروی گیاهی در داخل تولید و از ترکیب این دو نیازهای جامعه برطرف می شد اما از آن سال ها به بعد، به تدریج اکثر نیازهای کشور از طریق واردات تأمین می شد. تا این که شرکت های داروسازی ایران به بلوغ نسبی رسیدند و تأسیس این شرکت در آن سال ها شدت گرفت به طوری که بسیاری شرکت های داروسازی در بین دهه ۴۰ و ۵۰ فعالیت خود را آغاز کردند. هم چنین ورود شرکت های خارجی در کنار اعطای نمایندگی به شرکت های داخلی و تلاش دانشکده های داروسازی امکان رشد این صنعت را بیشتر فراهم کرد. از آن سال ها تاکنون این صنعت رشد بسیاری کرده به نحوی که ۹۶ درصد داروها در داخل تهیه می شوند.

این صنعت هم چون سایر صنایع از مشکل داشتن شرکت های با ارزش بازار کم رنج می برد که بیش

برخی از این شرکت‌ها توانستند بین ۱۰ تا ۵۰ درصد افزایش قیمت سود برای سهامداران خود به ارمغان بیاورند. اما در همین میان شرکت‌هایی بودند که تا ۱۰ درصد افت قیمت را تجربه کردند. و ارزش مبادلات این شرکت‌ها از ابتدای سال بالغ بر ۴۰۰ میلیارد ریال برآورد شده که سهام مبادله شده آن‌ها از مرز ۶۰ میلیون قطعه فراتر رفته است.

مهم‌ترین مشکلی که صنعت داروی کشور از متولی خود احساس می‌کند بحث قیمت‌گذاری است. به نظر می‌رسد که این قیمت‌های مداخله‌ای، باعث شکنندگی در صنعت دارو در ایران شده است. فشار قیمتی که همواره به نفع مصرف‌کننده (خانوارها و تأمین اجتماعی) بوده است، شکاف قیمتی محصولات را با داروهای جهانی بسیار زیاد کرده است.

این تفاوت‌های فاحش سؤال مهمی را مطرح می‌سازد که چه‌طور تولیدات ایران صرفاً به افغانستان، عراق و ... صادر یا قاچاق می‌شود. به نظر می‌رسد این روند به واسطه فرهنگ مصرفی مصرف‌کننده می‌باشد. مصرف‌کننده به واسطه ارتباط معناداری که با سلامتی خود دارد، حاضر نیست تن به داروهای نا آشنا و با کیفیت

پایین‌تر بدهد. بدین ترتیب به نظر نمی‌رسد قیمت مهم‌ترین شاخصه تجارت جهانی دارو به‌خصوص برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران باشد. اما نکته مهم‌تر آن است که اگر قیمت‌های دارو در ایران واقعی شود با توجه به آمارهای بین‌المللی، سرانه مصرف دارو در ایران ۲۲ دلار خواهد شد که ۰/۹۷ درصد درآمد سرانه می‌گردد که این نسبت با سیاست وزارت بهداشت و استانداردهای بین‌المللی همخوانی دارد. از طرف دیگر، به علت این که حدود ۶۰ درصد هزینه‌های دارویی توسط سازمان‌های بیمه‌گر پرداخت می‌شود، آزادسازی قیمت بر مصرف‌کنندگان نیز فشار خاصی وارد نمی‌گرداند. این در حالی است که سازمان تأمین اجتماعی سهامدار عمده شرکت‌های متعدد دارویی است، افزایش قیمت دارو سود عملیاتی این شرکت‌ها را افزایش داده و جبران افزایش هزینه تحمیل شده را می‌نماید و حتی ممکن است با افزایش قیمت سهام شرکت‌های دارویی، سود غیرعملیاتی شرکت‌های متعدد و شرکت‌های هولدینگ آن‌ها نیز افزایش یافته و در مجموع افزایش قیمت دارو به نفع سازمان تأمین اجتماعی گردد ...»